

# مرگ خود خواسته یا اُتانازی\*

دکتر ایرج گلدوزیان

استاد دانشگاه تهران (دانشکده حقوق و علوم سیاسی)

(تاریخ دریافت ۸۵/۸/۱۴ تاریخ تصویب ۸۵/۹/۱۸)

## چکیده

خودکشی در اجتماعات قدیم، براساس ضوابط شرعی گناه تلقی می‌شد؛ اما از سال ۱۷۹۱ و حدود دو سال پس از انقلاب فرانسه از شمول مقررات جزایی خارج شد. مبنای این خروج آن بود که هر شخص مطلقاً آزاد و مالک نفس و جان خود می‌باشد. حقوق ایران مانند اکثر کشورهای جهان با تذکار این مطلب که «تو هرگز نخواهی کشت»، اطاعت از مرگ خودخواسته (اُتانازی) را نپذیرفته‌است. از سال‌های ۱۹۸۰ تاکنون سیاستمداران و قانونگذاران بر لزوم انسانی کردن مرگ و سلطه شخص بر آخرین لحظه‌های حیات خود تأکید داشته‌اند. همچنین وظیفه پزشک در قبال بیمار، به درمان حتمی وی محدود نمی‌شود، بلکه استفاده از داروهای مسکن (در صورت نیاز) بخشی از حقوق مردم شناخته شده‌است. این نظر با قانون خودداری از کمک به مصدومان و کسانی که در معرض مخاطرات جانی هستند، مصوب ۱۳۵۴، هماهنگی دارد. آیین نامه قانون مذکور در سال ۱۳۶۴ تصویب شده‌است.

**واژگان کلیدی:** خودکشی، حق سلطه فرد، مراقبت‌های تسکینی، قتل از روی ترحم.

---

\*- این تحقیق حاصل مسائل مطروح در هفدهمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی در کشور هلند در تابستان ۱۳۸۵ است که مفاد آن به عنوان گزارش ملی از سوی مؤلف به زبان فرانسه در جلسه مزبور ارائه شده‌است که عین گزارش همراه خلاصه‌ای از آن به زبان فارسی از سوی مؤلف جهت چاپ در اختیار مجله قرار گرفته است.

## مقدمه

حیات و کرامت انسانی، ارزش های بنیادین نظم اجتماعی را تشکیل می دهند. تعیین و اعلام مصادیق رفتارهای ممنوعه ای که نقض آن ها از موارد مستوجب کیفر است توسط حقوق جزا بیان می شود. بدین لحاظ پایان یافتن حیات انسان با فراهم ساختن موجبات یک مرگ آرام و شیرین ودیعه ای است که مأموریت تحقق آن به حقوق جزایی واگذار شده است.

خودکشی که در جوامع قدیمی و با موازین شرعی گناه تلقی می شد، از محدوده قوانین جزایی خارج گردید. در حقوق فرانسه از سال ۱۷۹۱ یعنی دو قرن پیش، خودکشی از شمول مقررات جزایی خارج شد. انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹ بر اساس قبول اصالت فرد و این که هر شخص مالک نفس و جان خود بوده و مطلقاً آزاد است، مجازات های سابق را حذف کرد. از سال ۱۷۹۱ و بویژه در قانون جزای فرانسه ۱۸۱۰، نیز مجازات هایی برای خودکشی در نظر نگرفتند. در شرایط کنونی، تحریک به خودکشی یا تبلیغ و آگاهی آن به هر نحوی و از طریق جراید و وسایل سمعی - بصری، موضوع مواد ۱۳-۲۲۳ و ۱۴-۲۲۳ و ۱۵-۲۲۳ قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲ می باشد که از سال ۱۹۹۴ به مورد اجرا گذارده شده است. بنابراین خودکشی جرم نیست، ولی تحریک دیگری به خودکشی موضوع جرم مستقلی گردیده است. به طوری که اقدام به تحریک دیگری به خودکشی مستوجب سه سال حبس و سیصد هزار فرانک جریمه است. در صورتی که تحریک، منتهی به خودکشی یا شروع به خودکشی شده باشد، چنانچه جرم مذکور، نسبت به کسی که دارای کم تر از پانزده سال سن باشد ارتکاب شود، مجازات مرتکب ۵ سال حبس و جزای نقدی به مبلغ پانصد هزار فرانک تعیین گردیده است (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۴۰).

در حقوق ایران نیز خودکشی گرچه گناه است، ولی جرم نبوده و مرتکب با نجات و رهائی از مرگ مشمول مقررات شروع به خودکشی به جهت جرم نبودن نفس

خودکشی نیز نمی‌گردد و پس از مرگ نیز، موضوع کیفرهای مالی از قبیل مصادره اموال که در قرون و اعصار قدیمی معمول بوده منتفی است.

بتدریج و با خروج خودکشی از قلمرو امور جزایی، مبارزه با مرگ با توسل به امور پزشکی و دارویی در آخرین لحظات حیات دخالت کرد تا مرگ را بکلی به تأخیر اندازد. در شرایط کنونی، بحث در خصوص این مطلب است که انسان حق انتخاب آخرین لحظات حیات و طریق و نحوه ترک حیات خود را دارد یا خیر؟ این موضوع در اواخر قرن بیستم با پیشرفت‌هایی که از علوم پزشکی و فن‌آوری‌های مربوط به آن در جهت زنده نگهداشتن اشخاص دردمند و ناامید از درمان، انتظار آن می‌رود، مطرح می‌گردد. به طوری که اجابت این انتظار به شناسایی حق انتخاب مرگ و زندگی منتهی می‌گردد. ولی در حقوق ایران، همانند حقوق اکثریت کشورهای جهان، با تأیید نلشروعیت و اگذاری حق سلطه فرد بر آخرین لحظات حیات خود، کماکان بر ممنوعیت نقض قانونی حق حیات باتذکار «تو هرگز نخواهی کشت» اطاعت از مرگ خودخواسته (اُتانازی) را قبول نکرده و رد می‌کند.

با ذکر این مقدمه، مسائلی چون تجویز شخص در بازیافت مرگ و طرق و توسل به مراقبت‌های پزشکی همراه و با هدف تسکین درد برای نیازمندان به مُسکِّن، قابل طرح است.

### مبحث اول: تجویز شخص در بازیافت مرگ

از سال‌های ۱۹۸۰ تا کنون، سیاستمداران و قانونگذاران جامعه بر لزوم انسانی کردن مرگ و بازگرداندن کرامت و سلطه شخص بر آخرین لحظات حیات خود تأکید دارند. با وجود این، روش تحمّل و قبول درد از طرف بیمار و نقش پزشک، در استفاده از داروهای تسکین دهنده از طرف دیگر و همچنین درمان‌زدایی بیمار به عنوان حقوق اولیه وی قابل طرح و بررسی است.

## مبحث دوم: روش مراقبت‌های تسکین دهنده

وظیفه پزشک در قبال بیمار به درمان حتمی و قطعی وی محدود نمی‌شود. به طوری که جامعه پزشکی تقریباً در تمامی جوامع معتقد است که تجویز دارو با پزشک و در صلاحیت اوست و شفای بیمار با خداوند تبارک و تعالی است: «الدَّوَّا عِنْدَنَا وَالشِّفَاءُ عِنْدَ اللَّهِ». مراقبت‌های تسکینی و مسکن‌وار، درد را تسکین داده و به مریض اجازه می‌دهد که تا حداکثر توان خود زنده بماند. چنین مراقبت‌هایی مؤید نقش موثر پزشک در تحمل درد و رنج بیمار است. بدین ترتیب استفاده از مُرفین به عنوان مُسکِّن درد، تدریجاً بخشی از حقوق مردم به تأمین سلامت بیمار تلقی می‌شود، به طوری که هر کس حق دارد از مراقبت‌هایی که نتیجه آن تسکین درد است برخوردار شود و کادر پزشکی و غیر آن، مکلف به کمک در همین جهت است و نه بی‌تفاوتی و عدم اقدام در جهت تسریع در مرگ بیمار نیازمند به تداوم حیات و زندگی.

این نظر با قانون خودداری از کمک به مصدومین و کسانی که در معرض مخاطرات جانی مصوب ۱۴۵۴ در حقوق ایران هستند هماهنگی دارد. آئین نامه قانون مزبور در سال ۱۳۶۴ به تصویب رسیده است.

## نتیجه

بدیهی است نیل به نتیجه مثبت اقدامات پزشک و یا شفای حتمی دردمند هدف نیست و چنانچه پزشک مرتکب تقصیری نشده باشد، مسؤولیتی در بی نتیجه ماندن تلاش خود در درمان قطعی بیمار ندارد. در مقابل بیمار نیز حق امتناع یا خودداری از تداوم در درمان را دارد و پزشک نیز بدون خواست و اراده بیمار وظیفه‌ای نخواهد داشت. در این صورت با فقدان تقصیر مسؤولیت وی نیز منتفی است.

## مآخذ

گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، جرائم علیه تمامیت جسمانی، شخصیت معنوی، امنیت و آسایش عمومی، علمی - کاربردی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵.

**ACADEMIE INTERNATIONALE  
DE DROIT COMPARE**

**17 e congres international de droit compare'**

**Utrecht le 16-22 juillet 2006**

**V.A.2- L'EUTHANASIE.**

**EUTHANASIA**

**Rapport iranien presente'  
par**

**Dr. Goldouzian , iradj**

**Professeur à l'Universite' de  
Teheran.**

## **L'EUTHANASIE; EUTHANASIA PAR**

**Dr. GOLDOUZIAN IRADJ**

Professeur a` la faculte' de droit et des sciences politiques de  
l'universite' de Te'h e'ran.

- Madame le Pre'sident;
- Monsiorr. le rapporteur ge'ne'ral;
- Mesdames et Messieurs;

Mon rapport national sur l'euthanasie, en droit iranien comporte une  
introduction, 2 sections et une conclusion, et voilà, le probleme pose'.

### **INTRODUCTION**

En Iran, selon la loi, L'euthanasie est un assassinat ou un  
meurtre, car personne n'a le droit de tuer même fût- ce par la charite'. La  
politique criminelle est oriente'e donc, en Iran, vers la protection de la  
victime. Mais parfois, il arrive que cette "victime" ait accepte' lui- mê me  
de subir l'infraction. Dans ce cas, l'inte'rêt ge'ne'ral exige les  
interventions para-me'dicales qui comportent un pre'judice irre'parable  
ou un risque pour le patient.

Par exemple, l'experimentation humaine ou des pre'le'vements d' organs  
humains en vue des greffes sont acceptables.

C'est le cas de la mè re qui offrît son rein ou son oeil pour sauver  
son enfant dans le cadre de l'e'tat de ne'ce'site'.

Ne'anmoins, en ce qui concerne le pre'le'vement d' organs  
humains, nous sommes pour les produits de'tachables du corps humains  
(comme lait de femme, cheveux) ou reconstituables (comme sang).

Mais nous sommes contre les pre'le'vements d' organs  
irre'cupe'rables (comme les yeux, les reines, etc).

Je pre'sente, mon rapport, d'abord, sur le consentement de la victime avant la commission de l'infraction et ensuite sur l'e'ffet de ce consentement sur la chute de talion.

## **Section I- le consentement de la victime avant la commission de l' infraction .**

La question à poser est de savoir que, si, celui qui tue une personne, laisse de vivre et de souffrir, sur sa demande, se rend-t- il coupable d'un meurtre? On peut dire que le'galement, l'infraction ne disparaît pas lorsque la victime y a consenti. Le consentement de la victime, n'est pas comme la le'gitime de'fense ou l'autorisation de la loi, un fait justificatif.

Souvent, pour la justification, on invoque la maxime "volenti non fit injuria".

Mais cet adage concerne plutôt la responsabilite' civile et il est douteux qu'il s'applique a' la responsabilite' pe'nale; le consentement de la victime, n'empêche pas l'infraction de troubler l'ordre social.

Il ne peut donc faire obstacle à la re'pr'ession.

Malgre's le consentement de la victime, l'acte de'lictuel reste contraire à l' ordre social.

L'acte délictuel constitue une infraction, et il doit être re'prime', même si la victime ne s'en plaint pas et ne re'clame pas de re'paration.

C'est pourquoi, on ne peut pas conside'rer le consentement de la victime d'un meurtre, comme un fait justificatif.

Le'galement, le consentement donne' par la victime ne justifie pas l'infraction. la loi pe'nale iranienne, avant et après la re'volution est conforme a'cette règle. Mais, dans des cas exceptionnels, le consentement de la victime entraîne l'impunité' modere'e de l'auteur, même, en matière de meurtre, et ou l' euthanasie.



## **Section 2- la chute de droit du talion par le consentement prononcé' de la victime, avant sa mort**

La loi pe'nale iranienne, dans des cas exceptionnels et notamment avec l' application de la loi pe'nale islamique , modifie'e et amende'e dès 1370 (1990) accepte que la victime qui pardonne son assassin avant sa mort, ce pardon, empêche l' exécution de droit du talion , appartenant aux h' eritiers de la victime.

Ainsi, selon, l' article 268. de la loi pe'nale islamique, si la victime pardonne le criminel de la peine du talion , avant sa mort, le droit de talion perd son ' effet , et les h' eritiers ne peuvent pas demander le talion après la mort de la victime. On peut conclure de cet expose' le point šivent.

## Conclusion

Dans le meurtre et toutes les atteintes à l'intégrité physique, le consentement de la victime ne justifie pas l'acte délictueux. Par conséquent, la culpabilité de l'agent demeure.

Mais le tribunal, peut tenir compte le motif acceptable du consentement de cette circonstance pour modérer la peine, ou d'accorder le sursis à l'exécution de la peine suppléante. Dans les cas du consentement de la victime, (prononcé avant la mort, de la victime) de la peine du talion pardonné, ce système s'applique également, à l'encontre d'auteur d'actes d'euthanasie.

Merci de votre attention